

چه دیدگاه های مختلفی درباره تاوان وجود دارند ؟



در سراسر تاریخ کلیسا، دیدگاههای متفاوت متعددی از تاوان، برخی درست و برخی غلط، توسط افراد یا شاخه های مختلف مطرح شده اند. یکی از دلایلی که دیدگاههای مختلفی وجود دارد این است که هم عهد قدیم و هم عهد جدید حقایق زیادی را درباره تاوان مسیح آشکار می کنند و باعث می شود که به سختی بتوان نظریه ای پیدا کرد که به این اندازه کامل و غنی درباره تاوان توضیح داده باشد. آنچه که ما در مطالعه کتاب مقدس کشف می کنیم، تصویری غنی و چند وجهی از تاوان است چرا که کتاب مقدس حقایق وابسته به هم زیادی را درباره تاوانی که مسیح پرداخت کرد، ارائه می دهد. دلیلی دیگر بر وجود نظریات مختلف و زیاد پیرامون تاوان این است که بیشتر آنچه ما می توانیم درباره تاوان بیاموزیم می بایست از طریق تجربه و دیدگاه قوم خدا زیر نظام قربانی عهد قدیم درک شود.

تاوان مسیح، هدف و نتیجه اش، آنچنان موضوع غنی و پرمحتوایی است که کتابهای بسیاری درباره آن نوشته شده اند. این مقاله صرفاً نگاهی اجمالی به بسیاری از نظریاتی می اندازد که در زمانهای مختلفی ارائه شده اند. در بررسی دیدگاههای مختلف تاوان، باید به یاد داشته باشیم که هر دیدگاهی که گناهکاری انسان یا ماهیت تاوان جایگزین را به رسمیت نشمارد، در بهترین حالت ناکارآمد و در بدترین حالت بدعت آمیز است.

سربها (باچ) به شیطان: این دیدگاه، تاوان مسیح را به عنوان سربها یا بازخریدی می بیند که به شیطان پرداخت شده است تا آزادی انسان را بخرد و او را از اسارت شیطان رها سازد. این دیدگاه بر مبنای این عقیده است که انسان از لحاظ وضعیت روحانی در اسارت شیطان است و اینکه معنای مرگ مسیح این بود که پیروزی خدا را بر شیطان حتمی کند. این نظریه پشتوانه کتاب مقدسی بسیار کمی دارد، البته اگر داشته باشد، و حامیان کمتری را در طول تاریخ کلیسا داشته است. این دیدگاه غیر کتاب مقدسی است چرا که به جای آنکه خدا را آن کسی ببیند که لازم می داند که پرداختی برای گناه باید صورت گیرد، شیطان را در این جایگاه می بیند. از اینرو، این نظریه کاملاً نیاز به عدالت خدا را آنطور که در سراسر کتاب مقدس دیده می شود، نادیده می گیرد. در ضمن، نگاهی که از شیطان دارد بالاتر از آنچه هست که باید باشد و شیطان را قدرتمندتر از آنچه واقعاً هست نشان می دهد. هیچ پشتوانه کتاب مقدسی برای این عقیده وجود ندارد که گناهکاران چیزی را به شیطان بدهکار هستند، بلکه در سراسر کتاب مقدس می بینیم که خدا کسی است که پرداخت تاوان گناه را لازم می بیند.

نظریه باز پیدایی: این نظریه بیان می کند که تاوان مسیح، مسیر بشریت را از نافرمانی به فرمان برداری تغییر داد. این نظریه بر این باور است که زندگی مسیح تمام مراحل زندگی بشر را تکرار کرد و از این جهت مسیر نافرمانی را که توسط آدم آغاز شد را معکوس کرد. این نظریه نمی تواند از لحاظ کتاب مقدسی پشتیبانی شود.

نظریه نمایشی: این دیدگاه، تاوان مسیح را به عنوان یک پیروزی تضمینی در درگیری بین خوب و بد و در نهایت رهایی انسان از بند شیطان می بیند. معنای مرگ مسیح این بود که پیروزی خدا را بر شیطان حتمی کند و راهی را مهیا سازد تا جهان را از اسارت شر رهایی بخشد.

نظریه عرفانی: این نظریه، تاوان مسیح را به عنوان پیروزی مسیح بر طبیعت گناه آلود خویش با قدرت روح القدس می بیند. کسانی که چنین دیدگاهی دارند باور دارند که چنین دانشی به طور عرفانی، انسان را تحت تاثیر قرار خواهد داد و “هشیاری الهی” اش را بیدار خواهد ساخت. آنها همچنین باور دارند که وضعیت روحانی انسان نتیجه گناه نیست بلکه صرفاً به خطر نبود “هشیاری الهی” است. این نظریه بروشنی غیر کتاب مقدسی است. کسی که این نظریه را باور کند، باید باور داشته باشد که مسیح ذات گناه آلود داشت، در حالیکه کتاب مقدس به روشنی می گوید که عیسی خدای کامل و انسان کامل بود، و در هر جنبه از ذاتش بی گناه بود (عبرانیان فصل ۴ آیه ۱۵).

نظریه تاثیر اخلاقی: این نظریه بر این باور است که تاوان مسیح، محبت خدا را نمایش می دهد که موجب می شود قلب انسان نرم شود و توبه کند. کسانی که این دیدگاه را نگاه می دارند، بر این باورند که انسان از لحاظ روحانی مریض است و نیاز به کمک دارد و اینکه انسان با دیدن محبت خدا به او به حرکت می افتد تا بخشش خدا را دریافت کند. آنها باور دارند که قصد و معنای مرگ مسیح این بود که محبت خدا را به انسان ثابت کند. هرچند درست است که تاوان مسیح اوج محبت خداست، اما این دیدگاه غیر کتاب مقدسی است چرا که وضعیت حقیقی روحانی انسان را انکار می کند که در خطا و گناهان مرده است (افسسیان فصل ۲ آیه ۱) و انکار می کند که خدا در واقع پرداخت تاوان گناه را مطالبه می کند. و این دیدگاه از تاوان مسیح، بشریت را بدون قربانی حقیقی یا پرداخت تاوان گناه رها می کند.

نظریه سرمشق: این دیدگاه بیان می‌دارد که تاوان مسیح صرفاً سرمشقی از ایمان و اطاعت را فراهم می‌آورد تا الگویی برای اطاعت انسان از خدا باشد. کسانی که این دیدگاه را دارند، بر این باور هستند که انسان از نظر روحانی زنده است و اینکه زندگی و تاوان مسیح صرفاً سرمشقی بود از ایمان راستین و اطاعت و باید به عنوان الگویی برای انسان باشد تا به همین روش عمل کند. شباهت این نظریه با نظریه تاثیر اخلاقی در این است که هر دو نظریه انکار می‌کنند که عدالت خدا لازم می‌بیند که تاوان گناه باید پرداخت شود و اینکه مرگ مسیح بر روی صلیب آن تاوان را پرداخت کرده است. تفاوت اصلی نظریه نفوذ اخلاقی و نظریه سرمشق در این است که نظریه نفوذ اخلاقی می‌گوید که مرگ مسیح به ما می‌آموزد که چقدر خدا ما را دوست دارد و نظریه سرمشق می‌گوید که مرگ مسیح به ما می‌آموزد که چگونه زندگی کنیم. البته، درست است که مسیح، حتی مرگش، برای ما سرمشقی است که از او پیروی کنیم. اما نظریه سرمشق، شرایط واقعی روحانی بشر و خواست خدا برای پرداخت تاوان گناه که انسان قادر به پرداخت آن نیست را تشخیص نمی‌دهد.

نظریه تجاری: نظریه بازرگانی اینطور به تاوان مسیح می‌نگرد که تاوان مسیح حرمت بی‌اندازه ای را برای خدا می‌آورد. در نتیجه آن، خدا به مسیح پاداشی می‌دهد که به آن نیاز نداشت، و مسیح این پاداش را به انسان می‌دهد. معتقدین به این دیدگاه بر این باور هستند که وضعیت روحانی انسان باعث بی‌احترامی به خداوند است و بنابراین مرگ مسیح، که حرمت بی‌اندازه ای را نصیب خدا می‌کند، می‌تواند برای گناهکاران به منظور نجات بکار گرفته شود. این نظریه همچون بسیاری از نظریات دیگر، وضعیت حقیقی روحانی گناهکاران ایمان نیاورده و همینطور به نیازشان به خلقتی کاملاً جدید که تنها در مسیح یافت می‌شود را انکار می‌کند (دوم قرن‌تباران فصل ۵ آیه ۱۷).

نظریه دولتی: این دیدگاه، تاوان مسیح را به عنوان اهمیت دادن زیاد خداوند به قوانینش و نگرش او نسبت به گناه را در نظر می‌گیرد. از طریق مرگ مسیح است که خدا دلیلی برای آمرزش گناهان کسانی که توبه می‌کنند و مرگ جایگزینی مسیح را می‌پذیرند، دارد. کسانی که این دیدگاه را دارند، بر این باورند که وضعیت روحانی انسان همچون کسی است که از قوانین اخلاقی خدا تخلف کرده است و معنای مرگ مسیح این بود که جایگزینی برای جریمه گناه باشد. از آنجایی که مسیح جریمه گناه را پرداخت کرد، این امکان برای خدا به وجود آمد که بر اساس قانون، کسانی که را که مسیح را به عنوان جایگزین خود می‌پذیرند ببخشاید. این دیدگاه نیز مردود است چرا که تعلیم نمی‌دهد که مسیح به طور حقیق جریمه گناهان واقعی هر انسانی را پرداخت کرد، بلکه در عوض رنج مسیح صرفاً به بشر نشان داد که قوانین خدا شکسته شده و جریمه ای پرداخت شد.

نظریه جایگزینی کیفری: این نظریه تاوان مسیح را به عنوان یک قربانی جایگزینی و نیابتی می‌بیند که نیاز به عدالت خدا در برابر گناه را برآورده کرد. مسیح با این قربانی، جریمه گناه انسان را پرداخت کرد، آمرزش را به ارمغان آورد، عدالت را برقرار کرد، و انسان را با خدا آشتی داد. کسانی که این دیدگاه را دارند، بر این باورند که هر جنبه از انسان (فکر، اراده و احساساتش) به دلیل گناه فاسد شده است و انسان کاملاً تباها شده است و از لحاظ روحانی مرده است. این دیدگاه بر این عقیده است که مرگ مسیح جریمه گناه را پرداخت و انسان از طریق ایمان می‌تواند جایگزینی مسیح را به عنوان پرداخت گناه بپذیرد. این دیدگاه درباره تاوان بیشترین انطباق را با کتاب مقدس در نظرش درباره گناه، ذات انسان، و نتایج مرگ مسیح روی صلیب دارد.